



زبدة التواريخ

تأليف

كمال بن جلال منجم يزدي

تصحیح و تحقیق

دکتر غلامرضا مهدوی راونجی

با مقدمه

دکتر شعله آ. کوئین

استاد دانشگاه مرسد کالیفرنیا

تابستان ۱۳۹۷

منجم یزدی، کمال بن جلال، قرن ۱۱ ق -
زبدة التواریخ / تألیف کمال بن جلال منجم یزدی؛ تحقیق، مقدمه و تصحیح غلامرضا مهدوی راونجی. - قم: پژوهشگاه حوزه و
دانشگاه، ۱۳۹۷.
هشت، ۳۷۶ ص: مصور، جدول. - (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه: تاریخ:)
ISBN: 978-600-298-212-4
بها: ۲۷۵۰۰۰ ریال
فهرست نویسی براساس اطلاعات فیبا.
کتابنامه، ص. [۳۲۹] - ۳۳۴: همچنین به صورت زیرنویس.
نمایه.
۱. ایران - تاریخ - صفویان، ۹۰۷-۱۱۴۸ ق. - تاریخ نویسی. ۲. History - Safavids, 1502 - 1736 - Historiography
- Iran. ۳. حافظ ابرو، عبدالله بن لطف الله، ۷۶۳-۸۳۴ ق. . زبدة التواریخ - نقد و تفسیر. ۴. ایران - تاریخ - صفویان، ۹۰۷-۱۱۴۸ ق.
۵. Iran - History - Safavids, 1502 - 1736. الف. مهدوی راونجی، غلامرضا، ۱۳۵۷-، مصحح، مقدمه نویسی. ب. پژوهشگاه
حوزه و دانشگاه. ج. عنوان.
DSR ۱۱۷۶ / م ۹ ز ۳ ۱۳۹۷
شماره کتابشناسی ملی
۹۵۵ / ۰۷۱
۵۱۴۸۷۲۶



زبدة التواریخ

مؤلفان: کمال بن جلال منجم یزدی، تصحیح، مقدمه و تحقیق: دکتر غلامرضا مهدوی راونجی
ناشر: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه
ناشر همکار: قطب مطالعات صفوی اصفهان
ویرایش و صفحه آرایی: اعتصام
چاپ اول: تابستان ۱۳۹۷
تعداد: ۵۰۰ نسخه
لیتوگرافی: سعیدی
چاپ: قم - سبحان
قیمت: ۲۷۵۰۰ تومان

کلیه حقوق برای ناشران محفوظ و نقل مطالب با ذکر مأخذ بلامانع است.

قم: ابتدای شهرک پردیسان، بلوار دانشگاه، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، تلفن: ۰۲۵-۳۲۱۱۱۱۰۰ (انتشارات ۳۲۱۱۱۳۰۰)
نمابر: ۳۲۸۰۳۰۹۰، ص. پ. ۳۱۵۱-۳۷۱۸۵
تهران: خ انقلاب، بین وصال و قدس، کوی اسکو، پلاک ۴، تلفن: ۶۶۴۰۲۶۰۰
فروش اینترنتی: www.ketab.ir/rihu info@rihu.ac.ir www.rihu.ac.ir
اصفهان: دانشگاه اصفهان، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دفتر قطب علمی مطالعات فرهنگ و تمدن شیعه در عصر صفویه،
ص. پ: ۸۱۷۴۴، تلفن: ۰۳۱۱-۳۷۹۳۳۱۲۷، نمابر: ۰۳۱۱-۳۷۹۳۳۱۲۵
Website: www.safaviea.ir

سخن ناشران

نیاز گستردهٔ جوامع علمی، حوزوی و دانشگاهی به احیای متون با نگرش اسلامی در رشته‌های علوم انسانی، حقیقتی انکارناپذیر است. برای رفع این نیاز، مراکز پژوهشی با توجه به محدودیت‌های موجود، می‌توانند با یاری و همکاری یکدیگر، آثار مشترکی تدوین و ارائه کنند تا افزون بر ارتقای کمی و کیفی پژوهش‌ها، از تکرارها و موازی‌کاری‌ها جلوگیری شود. از این‌رو، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و قطب علمی مطالعات فرهنگ و تمدن شیعه در عصر صفویه برای نیل به اهداف یادشده، پنجمین اثر مشترک خود را با عنوان «زبدۃ التواریخ» به جامعه علمی تقدیم می‌کنند.

کتاب حاضر یکی از منابع مهم در تکمیل حلقه مطالعات تاریخ صفویه است و کمک شایانی به تحقیقات این حوزه در دوره‌های تحصیلات تکمیلی و عالی می‌کند. همچنین این کتاب مانند منابع دست اول زوایایی از تاریخ دوره صفوی را برای محقق تاریخ روشن می‌کند. در پایان پژوهشگاه بر خود لازم می‌داند از مصحح محترم جناب آقای دکتر غلامرضا مهدوی‌راونجی و ارزیاب محترم دکتر حسن زندیه سپاس‌گزاری کند.

پژوهشگاه حوزه و دانشگاه قطب علمی مطالعات فرهنگ و تمدن شیعه در عصر صفویه

تقدیم بہ روح پاک پدرم

و

بہ پاس صبوری مای مادرم

فهرست مطالب

فصل اول: تاریخ‌نگاری صفوی: تاریخ‌نگاری ایدئولوژیک

- ۱-۱- امپراطوری صفوی: سیاست در کسوت مذهب ۳
- ۲-۱- تاریخ‌نگاری صفوی: هم نهادی سنت تاریخ‌نگاری تیموری - ترکمانی ۶
- ۳-۱- تاریخ‌نگاری و تاریخ‌نگاری صفوی ۱۲
- ۱-۳-۱- امواج تاریخ‌نگاری و بازتاب اندیشه‌های شیعی ۱۳
- ۱-۳-۱-۱- موج نخست تاریخ‌نگاری صفوی: حاکمیت روح مذهب، سیاست و نظامی‌گری ۱۳
- ۱-۳-۱-۲- موج دوم تاریخ‌نگاری: تفوق نگاه اجتماعی ۱۷
- ۱-۳-۱-۳-۱- موج سوم: هویت یابی تاریخ‌نگاری نهاد مذهب ۱۹
- ۲-۳-۱- تاریخ‌نگاری، جایگاه و ذهن مورخ ۲۳
- ۴-۱- نتیجه‌گیری ۲۴

فصل دوم: بررسی حیات سیاسی - فرهنگی ملا کمال و خاندان منجم یزدی

- ۱-۲- کلیات ۲۷
- ۲-۲- دربار و تنجیم: نگاهی گذرا به منزلت منجم در دربار صفوی ۳۱
- ۳-۲- ملا جلال: بزرگ خاندان منجم ۳۳
- ۴-۲- ملا کمال: تداوم تنجیم درباری ۳۸
- ۵-۲- ملا جلال ثانی: افول خاندان منجم ۴۱
- ۶-۲- تاریخ‌نگاری خاندان منجم: مؤلفه‌های ممتاز و متمایز تدوین آثار ۴۲
- ۱-۶-۲- بررسی صوری (شکلی) آثار خاندان منجم ۴۴
- ۲-۶-۲- بررسی محتوایی زبده التواریخ ۴۵

۴۸ (سیاسی - نظامی - بازرتاب امور لشکر و کشور)
۵۶ بازرتاب امور اقتصادی و اجتماعی
۵۷ شاخصه‌های تاریخنگری خاندان منجم یزدی
۵۸ مشروعیت بر اساس نجوم
۶۱ ترسیم تاریخ خطی و موعود گرایی
۶۳ تأویل گرایی
۶۵ اندیشه‌های سیاسی (اسلام و ایرانشهری)
۶۷ زبده التواریخ: منابع و تأثیرپذیری
۷۳ زبان و روش در زبده التواریخ
۷۴ نسخ زبده التواریخ و مختصات رسم الخطی آنها
۸۶ شیوه تصحیح:
۸۷ نتیجه:

فصل سوم: زبده التواریخ

۹۱ [دیباچه]
۹۲ از هبوط [حضرت] آدم (ع) تا بعثت [حضرت] ادریس [ع]
۹۳ اما پادشاهانی که در این عَرَض تا عصر [حضرت] ابراهیم (علیه السلام) بوده‌اند
۹۴ اما انبیای مشهور که در آن عصر بوده‌اند
۹۵ اما پادشاهانی که در آن زمان بوده‌اند
۹۶ و پیغمبرانی که در این عرض بوده‌اند مابین [حضرت] موسی [ع] و [حضرت] داوود [ع]
۹۷ اما پادشاهانی که در این عصر بوده‌اند، نوذربن منوچهر و زاب بن طهماسب بن منوچهر
۹۷ و انبیائی که در آن اوقات بودند یعنی مابین [حضرت] داوود [ع] و [حضرت] عیسی (ع)
۹۸ اما پادشاهانی که در آن عصر بودند یعنی مابین [حضرت] داوود [ع] و [حضرت] عیسی [ع]
۱۰۰ اما طبقه سیوم از ملوک عجم
۱۰۱ اما حواریان
۱۰۲ اما پیغمبرانی که بعد از حضرت عیسی (علیه السلام) بوده‌اند
۱۰۲ اما انبیاء اولوالعزم [ع]
۱۰۳ اما پادشاهانی که از عهد حضرت عیسی (علیه السلام)
۱۰۴ ولادت با سعادت حضرت رسول الله (صلى الله عليه و آله و سلم)
۱۰۷ میلاد با اسعاد حضرت امیر المؤمنین علیه السلام
۱۰۹ ذکر خلافت خلفاء ثلاثه

- ولادت با سعادت حضرت فاطمة زهرا عليها السلام..... ۱۱۰
- مولود مسعود حضرت امام حسن (عليه السلام)..... ۱۱۰
- ولادت با سعادت حضرت امام حسين (ع)..... ۱۱۱
- ميلاد با اسعاد سيد زين العابدين على بن الحسين عليهما السلام..... ۱۱۳
- ولادت با سعادت حضرت امام محمد باقر (عليه السلام)..... ۱۱۴
- ذکر استيلاى عباسيان..... ۱۱۵
- مولود مسعود حضرت امام جعفر صادق (عليه السلام)..... ۱۱۶
- ولادت با سعادت حضرت امام موسى كاظم (عليه السلام)..... ۱۱۷
- مولود مسعود حضرت امام على بن موسى الرضا (عليه التحيه و الثناء)..... ۱۱۸
- ذکر سلاطين سامانى..... ۱۱۹
- ميلاد با اسعاد حضرت امام محمد تقى (عليه السلام)..... ۱۲۰
- ولادت با سعادت حضرت امام على تقى (عليه السلام)..... ۱۲۱
- ذکر احوال صفاريه..... ۱۲۱
- مولود عاقبت محمود حضرت امام حسن عسگرى (عليه السلام)..... ۱۲۲
- [ذکر احوال آل زيار]..... ۱۲۳
- ذکر مجملی از احوال سلاطين آل بويه..... ۱۲۳
- ولادت با سعادت حضرت امام صاحب الزمان (عليه الصلوات والسلام)..... ۱۲۵
- ذکر مختصرى از احوال سلاطين غزنويه..... ۱۲۶
- ذکر سلاطين آل [سلجوق]..... ۱۲۷
- ذکر پادشاهان ملاحده اسماعيليه..... ۱۲۹
- ذکر مجملی از احوال اتابکان فارس..... ۱۳۱
- ذکر شمه‌اى از احوال خوارزمشاهيه..... ۱۳۲
- ذکر پادشاه جهانگير چنگز خان و اولاد واحفاد او..... ۱۳۵
- ذکر ملوک طوايف که بعد از چنگيز در ايران پادشاهى کردند..... ۱۴۰
- ذکر سلاطين آل مظفر..... ۱۴۲
- ذکر مجملی از احوال سربداران..... ۱۴۴
- ذکر پادشاه صاحبقران امير تيمور گورکان..... ۱۴۶
- ذکر اولاد اميرتيمور که بعد از او پادشاهى کردند..... ۱۵۰
- ذکر مجملی از احوال سلاجقه روم..... ۱۵۷
- ذکر سلاطين آل عثمان..... ۱۵۹
- ذکر مجملی از احوال پادشاهان اوزبکيه..... ۱۶۳

۱۶۸	ذکر مجملی از احوال سلاطین قراقویینلو
۱۷۱	ذکر مجملی از احوال پادشاهان آق قویینلو
۱۷۵	ذکر مجملی از احوال پادشاهان صفوی و بیان نسب ایشان به دودمان نبوی (ص)
۱۸۰	ذکر مبدأ طلوع آفتاب دولت خاقان اعظم، ممالک ستان، شاه اسماعیل
۱۸۷	ذکر شمه‌ای از احوال خاقان جم جاه، ظل الله، شاه طهماسب
۲۰۵	ذکر جلوس نواب خاقانی، شاه اسماعیل ثانی
۲۰۹	ذکر جلوس همایون سلطان محمد خداپنده
۲۱۶	ذکر احوال خیر مآل مهراب اقبال، شاه عباس
۲۱۹	ذکر جلوس مبارک شاه عباس بر تخت خراسان
۲۲۱	ذکر جلوس مبارک شاه عباس بر تخت قزوین
۲۶۷	[ذکر ولادت شاه صفی]
۲۶۸	[ذکر جلوس مبارک شاه صفی]
۲۹۶	ذکر شمه‌ای از احوال خیر مآل حضرت خاقان صاحبقران شاه عباس ثانی
۲۹۶	جلوس میمنت مأنوس آن خسرو صاحبقران [شاه عباس ثانی]
۲۹۷	تاریخ جلوس میمنت مأنوس ظل معبود
۳۲۸	ذکر احوال خجسته آمال آفتاب اوج اقبال ابوالمظفر سلطان شاه صفی الثانی الصفوی

۳۲۹	منابع و مأخذ
۳۳۵	لغات و اصطلاحات
۳۵۳	توضیحات

نمایه‌ها

۳۷۱	نمایه اشخاص
۳۷۴	نمایه مکان‌ها

Introduction

Dr. Mahdavi Ravanji's present edition of Kamal b. Jalal Munajjim Yazdi's *Zubdat al-tavarikh* is a greatly welcomed addition to the field of Safavid historiography. Chronicles form the single most important source for the study of the Safavid period. Thus, making available sources like the *Zubdat al-tavarikh* a particularly urgent task. Although scholars have been aware of and utilized certain well-known Safavid text for many decades, such as Iskandar Beg Munshi's *Tarikh-i 'alam-ara-yi 'Abbasi* and Hasan Beg Rumlu's *Ahsan al-tavarikh*, other chronicles have remained in manuscript form, largely inaccessible and often unknown to scholars.

This edition of the *Zubdat al-tavarikh* contains an extensive introduction, where Dr. Ravanji places the text in historical and historiographical context. He introduces the author and provides background about this remarkable multi-generational family of astrologer/astronomers and historiographers. He has also compared the text with earlier sources such as the work of the author's own father, Jalal Munajjim Yazdi's *Tarikh-i 'Abbasi*, and located parallel passages and instances of imitative writing.

There are two more points worth mentioning here. The *Zubdat al-tavarikh* is a universal history, containing sections on biblical prophet figures, Persian pre-Islamic kings, accounts of the Prophet Muhammad,

Fatima, and the Twelve Imams, and pre-Safavid Islamic dynasties, in addition to, of course, a full account of the Safavid dynasty, including a section on the pre-dynastic Safaviyya Sufi shaykhs. It is sometimes the case that when such universal histories are published, only the Safavid section is included in the published text. With the *Zubdat al-tavarikh*, we have the entire full history, including the pre-Safavid sections. It is also sometimes the case that chronicles are edited on the basis of only one manuscript, even when other manuscripts are available, making it impossible to take note of manuscript variations. Dr. Ravanji, however, has consulted several manuscripts and fully noted the variations, making this a fully critical edition.

The volume also includes a bibliography, a useful glossary, and an index. These features make this edition of the *Zubdat al-tavarikh* everything one would hope to see in a published, edited manuscript.

Sholeh A. Quinn
2 Desember 2017
University of California, Merced

فصل اول

تاریخ نگاری صفوی: تاریخ نگری ایدئولوژیک

۱-۱- امپراطوری صفوی: سیاست در کسوت مذهب

اسماعیل میرزا صفوی (۹۳۰-۸۹۲ق/۱۵۲۴-۱۴۸۷م) در جمادی الثانی ۹۰۶ هجری قمری در میان غوغای سران ترکمان قزلباش که دائم سرود "...قوربان اولدیغیم و صدقه اولدیغیم پیریم، مرشدیم.." ^۱ را سر می‌دادند پا به تبریز گذاشت.

با جلوس اسماعیل بر سریر کیانی ^۲ و دست یابی بر اورنگ پادشاهی، حکومت دراز آهنگ صفویه - که مدت ۲۲۵ سال (۱۱۴۰-۹۰۶ق/۱۷۳۶-۱۵۰۱م) غالباً با اقتدار به طول انجامید - بنیانگذاری و موجودیت مشوش ایران در قالب وحدتی سیاسی متجلی شد و از این پس اسماعیل صفوی و اعقاب او، از سوی هوادارانشان مراد، صوفی ^۳ پیر، غازی، مرشد و شاه نامیده شدند ^۴ و آنگونه که از دیوان شعر شاه اسماعیل استنباط می‌شود، خود نیز بی‌تمایل نبود تا این القاب به صورتی شیداگونه، تقدس بنیانگذار سلسله را حفظ کرده و جایگاه معنوی آن تعالی یابد.

بررسی تاریخی و معناشناختی این واژگان، طلیعه پدیده‌ای نوظهور را نشان می‌دهد، آنان به اعتباری حاکمان (شاهان) بلامنازع سرزمینی بودند که تقابلی تاریخی با سرزمین توران (غیر ایرانی) داشت، رهبران معنوی (مرشد) پر جاذبه‌ای بودند که پیروانشان از آنان تصویری

۱. جهانگشای خاقان، (تاریخ شاه اسماعیل ۹۵۵-۹۴۸) مقدمه و پیوست: دکتر الله دتا مضطر، پاکستان، اسلام

آباد، مرکز تحقیقات ایران و پاکستان، بی تا، ص ۱۳۸.

۲. دیوان شاه اسماعیل صفوی (خطایی)، کلیات دیوان، به کوشش: رسول اسماعیل زاده، تهران: الهدی، بی تا، ص ۲۶۴ / خواندمیر، تاریخ حبیب السیر، به کوشش: محمد دبیر سیاقی، تهران: خیام، ۱۳۶۲، ص ۴۶۷.

۳. عبدالحسین نوایی، شاه اسماعیل صفوی (مجموعه اسناد و مکاتبات تاریخی)، تهران: ارغوان، ۱۳۶۸، چاپ دوم، ص ۱۱۷.

۴. دیوان شاه اسماعیل صفوی، ص ۲۲۱. ۲۲۰ / لاکهارت و دیگران، تاریخ ایران کمبریج، ترجمه: یعقوب آژند، تهران: جامی، ۱۳۸۴، ج ۶، ص ۲۸

خداگونه داشتند^۱ مدعی تباری بودند که از ذریه پیامبر (ص) و امامان (ع) پس از ایشان به شمار می‌رفتند،^۲ نبردهای آنان با همسایگانیشان از آنان جهادگران غازی ساخته بود و دست آخر آنان شاه بودند، نقطه تلاقی سنت ایران باستان و هویت ملی.

حکومت تازه تاسیس صوفیان اردبیل حقیقتاً محصول تکامل حرکت ایدئولوژیکی بود که دورنمای تاریخی آن را حداقل می‌توان تا نهضت سربداران باشتینی به عقب برد. این حرکت پویا از لحاظ نظری از دو پایگاه تصوّف و تشیع – با گرایش مشترک دنیاستیزانه و دنیاگريزانه به شدت در طول سالیان گذشته تقویت می‌شد و نهایتاً با برتری تشیع و حضور رسمی آن در حیات سیاسی ایران عصر صفوی به ساحل آرامش رسید.

انقلاب فرهنگی – سیاسی شاه نوجوان صفوی در رسمیت بخشیدن به مذهب شیعه در نخستین روزهای پیروزی در محیط خصمانه اهل تسنن تبریز جدا از آنکه شاه نورسته را تا حد حاکم شیعه مسلک و آنگونه که خود می‌خواست جانشین امام غائب^۳ اعتلا می‌داد؛ تبعات دیگری نیز داشت: تحدید حدود جغرافیای اعتقادی ایران به موازات جغرافیای سرزمینی آن و تمایز از دولت قدرتمند همسایه یعنی عثمانی، ویژگی مهمی که سایه آن در تمام طول حیات سیاسی هر دو قدرت بر روابط آنان سنگینی می‌کرد.

از منظر امور داخلی نیز این سایه برسر حیات اداری – سیاسی و علی‌الخصوص فرهنگی به شدت سنگین بود چرا که رسمیت بخشیدن به مذهب شیعه بعنوان وجه ممیزه حکومت صوفیان الزاماتی را طلب می‌کرد، مهمتر از همه تدوین کاربست الهیات شیعی. بزودی فقهای جبل عامل – که بیشترین نقش را در پایه ریزی الهیات شیعی داشتند – از عهده کار به خوبی برآمدند^۴ و گرایش متشیعانه همچون بدیلی مذهبی در برابر الهیات سنی سر برآورد.

به موازات این فعالیت‌های فکری که در طول حیات سلسله صفویه انجام می‌گرفت

۱. ابراهیم امینی هروی، فتوحات شاهی، تصحیح: محمدرضا نصیری، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۸۳، ص ۳۲۳/ راجر سیوری، در باب صوفیان، ترجمه: رمضانعلی روح‌اللهی، تهران: نشر مرکز، ۱۳۸۰، ص ۱۸/ لاکهارت و دیگران، ص ۲۸.

۲. راجر سیوری، ایران عصر صفوی، ترجمه: کامبیز عزیزی، تهران: نشر مرکز، ۱۳۹۲، چاپ بیستم، ص ۲۶.

۳. سیوری، در باب صوفیان، ص ۲۷/ سیوری، ایران عصر صفوی، ص ۱۶۲/ حسین گودرزی، تکوین جامعه شناختی هویت ملی در ایران با تأکید بر دوره صفویه، تهران: انتشارات تمدن اسلامی، ۱۳۷۸، ص ۲۲۴.

۴. سیوری، در باب صوفیان، ص ۲۹۰.

گسترش، تثبیت و تأمین مرزهای ایران نیز در اقداماتی نظامی قبض و بسط می‌یافت تا جایی که در نتیجه اقدامات مجددانه شاه عباس اول (حک ۱۰۳۹ - ۹۹۶ق / ۱۶۲۹ - ۱۵۸۷م) مرزهای ایران به مرزهای روزگار ایران پیش از اسلام بازگشت^۱ و به همین واسطه می‌توان گفت آرمان مذهبی که در طول قرن‌ها قبل از سوی اعراب و سپس ترکان صحرانورد به مخاطره افتاده بود بار دیگر نضج می‌گرفت، صفویان از منظر جهانی نیز به دلایلی همچون تغییر نظام جهانی - تکامل رنسانس در اروپا - و ثبات و امنیت داخلی با اقتصاد و سیاست جهان نیز پیوند وثیق برقرار کردند، در برهه ای از زمان بخشی از اقتصاد جهان شدند^۲ روابطی محترمانه با جهان آن روزگار برقرار ساختند^۳ و چهره ای متمدانه از خود نشان دادند.

ماهیت دین سالارانه حکومت صوفیان صفوی هنجارهای حاکم بر جامعه آن دوران را به نفع الهیات شیعی بازسازی کرد، نگرش مذهبی ذهن و ضمیر مردم و جامعه را تحت سیطره خود در آورد تا جایی که هرگونه اقدامی ضرورتاً می‌بایست از میان تار و پود این مبنای نظری یعنی الهیات شیعی بگذرد. این رویه در طول حیات سیاسی صفویان غالباً ادامه یافت، مذهب مهمترین عامل موثر بر فرهنگ و حوزه‌های اصلی آن همچون ادبیات، هنر، فلسفه و تاریخ‌نگاری بود و هرگونه تداوم فرهنگی ملبس به آموزه‌های شیعی شد که تا عصر حاضر ادامه یافت.

در این میان - در حالیکه اصحاب فرهنگ و فلسفه به عقلانی ساختن اصول کلامی مشغول بودند؛ معماران و هنرمندان - علی‌الخصوص معماران - به جاودانه ساختن صفویان در حوزه تمدنی اشتغال داشتند و ادبیات نیز به مثابه قند پاریسی خود را به هند کعبه حاجات رساند^۴ - نقش تاریخ‌نگاران قدری مهمتر به نظر می‌رسید آنان ضرورتاً می‌بایست آمیزه ای از هویت ملی و صبغه ای از مذهب را در هم آمیخته، تاریخ را از منظر معرفت دینی تعریف کرده،

۱. همان، ۲۲.

۲. جان فوران، مقاومت شکننده: تاریخ تحولات اجتماعی ایران از سال ۱۵۰۰ میلادی مطابق ۸۷۹ شمسی، انقلاب اسلامی، ترجمه: احمد تدین، تهران: رسا، ۱۳۷۷، ص ۷۲ / سیوری، ایران عصر صفوی، ص ۱۹۰.

۳. جان فوران، ص ۱۰۸.

۴. اشاره به بیتی از حزین لاهیجی درباره مهاجرت شاعران به هند: "حبذا هند، کعبه حاجات خاصه یاران عافیت جو را ..". و برداشتی از بیت حافظ "شکر شکن شوند همه طوطیان هند زین قند پاریسی که به بنگاله می‌رود" که گویا پیش‌بینی این اوضاع بوده است.

اعمال پادشاهان صفوی را در جهان‌بینی خود محور قرار داده و نهایتاً تاریخ صفوی - آنجا که شاه صفوی خلیفه مشروع از نوع شیعی آن بود^۱ - را بازسازی کنند.

این حس تکلیف مورخان صفوی در قالب سنت تاریخ‌نگاری پیشین ایران تا آنجا پیش رفت که تواریخ این دوره آینه ای شد از تبلور تاریخ‌نگاری بر مبنای جهان‌بینی مذهبی شیعی^۲.

۱-۲- تاریخ‌نگاری صفوی: هم‌نهادی سنت تاریخ‌نگاری تیموری - ترکمانی

تاریخ‌نگاران صفوی نیز همچون مورخان سلف در امتداد سنت تاریخ‌نگاری، متأثر از شیوه و چارچوب پیشینیان خود بویژه تیموریان بودند.

در فاصله و فترت میان زوال ایلخانان (حک: ۶۵۴ - ۷۵۰ق) و برآمدن تیموریان (حک: ۷۷۱ - ۹۱۶ق) تاریخ‌نگاری هیچ‌گونه تحولی نداشت البته طبیعی بود که بر اثر انحطاط سیاسی ناشی از مرگ سلطان ابوسعید (م ۸۷۳ق) و فقدان وحدت سیاسی، این سنت متوقف گردد. اعتلای تیمور (۷۳۶ - ۸۰۷ق / ۱۴۰۵ - ۱۳۳۶ م) از ماوراءالنهر و سپس بسط قدرت او در یورش‌های ثلاثه اش از شرق به غرب، پویایی این سنت را با ویژگیهای خاص خود در پی داشت اما قبل از انتقال این میراث و تأثیر گذاری مؤلفه‌های غرب قلمرو امیر تاتار بر سنت تاریخ‌نگاری، این شرق ایران بود که همچنان سیادت خود را در تاریخ‌نگاری حفظ کرد. علاقه تیمور برلاس به تاریخ، جغرافیا و علم آنساب و مباحثه در حلقه معرفتی عالمان^۳ مهمترین عامل در برانگیختگی تحول عظیم در تاریخ‌نگاری تیموری شد. مورخان در پاسخ به علاقه و دعوت او، مساعی و دستاوردهایش را با دقت ثبت می‌کردند و مورخان اولیه تیموری و به تبع آنان مورخان

۱. برای نمونه می‌توان از کوشش محدثان و متکلمان در بازسازی این آرمان یاد کرد که "رساله در پادشاهی صفوی" با محتوایی کلامی از محمد یوسف ناجی مثالی در خور است. نک: محمد یوسف ناجی، رساله در پادشاهی صفوی، به کوشش: رسول جعفریان و فرشته کوشکی، تهران: کتابخانه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۷.

۲. منظور از تاریخ‌نگاری ایدئولوژیک در این فصل، روایت بر مبنای اصول مذهبی و عقیدتی است، باید گفت که منابع تاریخی عهد صفوی بستری شدند برای پیدائی ارزشهای جدید و بازسازی ارزشهای پنهان و خفته در قالب یک طرح متأثر از هستی‌شناسی دینی قابل توجیه.

۳. شامی از این ویژگی عنوان فضیلتی مهم یاد می‌کند. بر این موارد می‌توان دیدار و علاقه تیمور به ابن خلدون را نیز افزود. نک: نظام الدین شامی، ظفر نامه، ویراسته: پناهی سمنانی تهران: بامداد، ۱۳۶۳، ص ۲۸۷.

تاریخ‌نگاری صفوی: تاریخ‌نگاری ایدئولوژیک ۷

سالهای بعد، رومیانی شدند از تیمور، نسبش، تلاشهایش در کشور گشایی و دستاوردهای این مجاهدت بی دریغ و امیر فرهمند تاتار هسته اصلی این تاریخ‌نگاری توصیف شد.

شخصیت تیمور در این تواریخ با هویتی متمایز توصیف می‌گردد: قهرمانی متعلق به دودمان چنگیزی^۱ مجاهدی غازی و محیی سنتهای دین.^۲ یعنی دو جنبه مهم از حیات سیاسی روبه تکامل تیمور که در کسوت حیات فرهنگی او بروز می‌یافت. همراهی تعدادی منشی ترک، فارس و اوغور با تیمور طبعاً آثاری را پدید می‌آورد که تا قبل از هجوم تیمور به غرب ایران و بغداد، شکلی منسجم به خود نگرفته بود و بعضاً از بین رفت.

مبدأ سنت تاریخ‌نگاری تیموری - به شکل مدون - را در تالیف نظام الدین شامی باید یافت. مولانا نظام الدین علی واعظ شامی یا شنب غازی پس از استیلای تیمور بر سلطان احمد جلایر، جزء نخستین افرادی بود که با "بساط بوسی"^۳ امیر صاحبقران به جرگه درباریان و همراهان او راه یافت و بنابه سفارش او به تألیف و تدوین تاریخ تیمور "به دور از حلیه تکلف و پیرایه تصنف"^۴ همت گماشت. تاریخ او باز آفرینی آثار پراکنده تاریخ تیموری^۵ همچون سعادت نامه یا روزنامه غزوات هندوستان تألیف غیاث الدین علی یزدی است. شتاب شامی در تالیف کتاب یا عدم انسجام در منابع موجود سبب شد تا متن تاریخ او از وحدت نگارشی خالی باشد، ارجاع به سالشمار مغولی و در بخشی دیگر ارجاع - با دقت - او به سال شمار اسلامی^۶ نشان از اتکاء او نخست بر منابع موجود قبل از خود - که متأسفانه از بین رفته‌اند - و دوم باز آفرینی تاریخ شفاهی دارد.

گفته می‌شود این اثر که کهن‌ترین تاریخ از ایام فتوحات اولیه تیمور گورکان بوده - و از این

۱. همان، ص ۱۲.

۲. غیاث الدین علی یزدی، سعادت نامه یا روزنامه غزوات هندوستان، به کوشش ایرج افشار، تهران: مرکز نشر میراث مکتوب/میراث تاریخ تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوره تیموریان و ترکمانان، تهران: سمت، ۱۳۷۹، ص ۶۲

۳. نظام الدین شامی، ص ۱۰.

۴. همان، ص ۱۱.

۵. شامی از آثار ملازمان تیمور، همچون بخشیان اوغور و دیگران در تدوین اثرش بهره برده است "... که سوانح حالات و وقایع صادرات ایام این دولت که به ابد مقرون باد چنانچه تا غایت ضابطانی که حاضر بوده اند و ملازمانی که در سفر و حضر وقایع و حوادث را ناظر ثبت کرده باشند لباس عبارتی پاک و بی تکلف پوشاند و آنرا مرتب و مبوب و مقرر و محرر گردانند...؛ همانجا.

۶. برای نمونه بنگرید "...آنگاه در سال موش به ترتیب و ساز و لشکر و انسجام ایشان مشغول گشته..." (همان، ص ۶۶) و "...ذکر بنای کوشک سمرقند در سال ۷۹۹" (همان، ص ۱۶۷).

جهت واجد اهمیتی در خور است - هنگام تقدیم به تیمور به عنوان ظفرنامه شامی نامبردار شد. موج دوم^۱ تاریخ‌نگاری تیموری از مجرای اندیشه و قلم مورخانی همچون تاج‌الدین سلمانی - سلمانی تاریخ‌نامه یا شمس‌الحسن - معین‌الدین نطنزی - منتخب التواریخ معینی - و غیاث‌الدین علی یزدی - روزنامه غزوات هندوستان یا سعادت‌نامه - می‌گذرد، آثاری که به تثبیت سنت تاریخ‌نگاری دوره تیموری کمک شایانی کرده‌اند و از آنان با عنوان "تاریخچه‌های انتقالی"^۲ یاد می‌شود.

این سه اثر به واسطه ظفرنامه شامی که خود معجونی از تک‌نگاری پراکنده تاریخ تیموریان بود دست مورخان بزرگ بعدی را جهت تدوین آثار باز می‌گذاشت، اطلاعات سودمندی ارائه و آنان را تا جایگاه نخست سنت تاریخ‌نگاری تیموری تعالی داد.

حمایت شاه‌رخ از حافظ ابرو،^۳ زمینه‌ای به این مورخ پرکار به دست داد تا آثاری چون ذیل جامع التواریخ، ذیل ظفرنامه شامی، تاریخ شاه‌رخ - که بعدها به مجمع التواریخ ضمیمه شد - مجموعه حافظ ابرو و نهایتاً اثری که او را در صدر مورخان تیموری می‌نشانند یعنی مجمع التواریخ را بوجود آورد.

همراهی اخلاق - مشخصاً شیوه امانت‌داری - ، دقت در ضبط وقایع توأم با وسعت نظر و دامنه آثار از او شخصیت برجسته‌ای ساخت که می‌توان "او را از روشنفکران نخبه اواخر تاریخ میانه اسلام"^۴ به شمار آورد.^۵

مکتب تاریخ‌نگاری تیموری نه تنها به اهتمام حافظ ابرو هویتی متمایز یافت بلکه شیوه بازآفرینی آثار تاریخی این دوره با محوریت شخصیت تیمور و رعایت نسبت دربار و مورخ، مبانی نظری آن را تحکیم و سنت تاریخ‌نگاری تیموری را تثبیت ساخت. از مورخانی که بر

۱. تاریخ‌نگاری عصر تیموری در سیر تکاملی خود تا رسیدن به هویتی معین - از تدوین تاریخ شفاهی تا انسجام کامل آثار - مراحل مختلفی را از سر گذراند که هر مرحله را با توجه به این روند و دوره زمانی می‌توان به موج تعبیر کرد.

۲. اشپولر و دیگران، تاریخ‌نگاری در ایران، ترجمه: یعقوب آژند، تهران: گستره، ۱۳۸۰، ص ۱۲۷.

۳. میرجعفری، ص ۱۴۸ / جعفر حمیدی، تاریخ‌نگاران، تهران: دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۲، ص ۳۷۴ /

اشپولر، ص ۱۳۸. ۴. اشپولر، ص ۱۴۳.

۵. میرجعفری، ص ۱۴۹ / حافظ ابرو، ذیل جامع التواریخ رشیدی، به کوشش: خانابا بیاتی، تهران: علمی، ۱۳۳۷،

مقدمه / ذبیح‌الله صفا، تاریخ ادبیات در ایران، تهران: فردوس، ۱۳۸۳، ج ۴، چاپ یازدهم، ص ۴۸۸.

تاریخ‌نگاری صفوی: تاریخ‌نگاری ایدئولوژیک ۹

پشته گزارشهای نویسندگان قبل از خود اثر یگانه ای افزود، شرف الدین علی یزدی مؤلف ظفرنامه یزدی بود. او در سال ۸۲۸ ق در شیراز کتاب خود را - که در نسخ مختلف با نامهای فتح نامه امیر تیمور، فتح نامه همایون، تاریخ صاحبقران امیر تیمور، تیمورنامه شرف، تاریخ تیمور، تاریخ شرف الدین یزدی یا ظفرنامه یزدی.^۱ از آن یاد می‌شود - به پایان رساند.

در واپسین سالهای سلطنت شاهرخ - شاهزاده ای که به حمایت از هنر و فرهنگ، آوازه ای بهم‌زده بود - چهار اثر دیگر به بسط اندیشه تاریخی کمک کرد. فصیح خوافی مجمل فصیحی را نوشت. تاریخ خیرات به قلم محمد بن فضل الله موسوی تاریخی عمومی و وقایع نامه یا تاریخ انبیا و ملوک به دست جعفر بن محمد الحسینی نیز گونه عمومی تاریخ را دنبال کردند و دست آخر جامع التواریخ حسنی تالیف حسن بن شهاب یزدی است که به ابوالمظفر محمد فرزند بایسنقر با هدف بیان جزئیات حوادث معاصر مؤلف پیشکش شده است.^۲

عبدالرزاق سمرقندی مطلع سعدین و مجمع بحرین که در برگزیده ۱۷۰ سال تاریخ ایران (از ۷۰۴ تا ۸۷۵ ق) حد فاصل ابوسعید ایلخانی و ابوسعید تیموری است^۳ را به مجموعه آثار تاریخی این دوران افزود.

در این میان، اثر ابن عربشاه، مسیر خلاف جهت رود را پیمود. اثر عربی عجائب المقدور فی نوائب تیمور، متأثر از سرخوردگی‌های احمد بن محمد بن عبدالله معروف به ابن عربشاه است او واقعیتها را چنانکه درک کرده، به رشته تحریر در آورده است.^۴ او زمانی که تیمور دمشق را فتح کرد، به سمرقند کوچانده شد، سالها در ماوراءالنهر زندگی کرد و نهایتاً، با بازگشت به دربار عثمانی درآدرنه، پرده از حوادثی چون لشکرکشی‌ها، تدابیر جنگی، پیمان شکنی و کشتارهای تیمور برداشت.^۵ تاریخ او را حمل به غرض ورزی نموده‌اند اما اشاره او به برخی صفات تیمور - تا آنجا که بتوان فضیلت نامید - همچون زیرکی و متانت در کنار نقد کردار او و بر شماری رذایل تیمور، صفت منصفانه را به عجائب المقدور نزدیک تر می‌سازد.^۶

۱. صفا، ص ۴۸۶.

۲. میرجعفری، ص ۱۵۰.

۳. محمدرضا ناجی و دیگران، تاریخ و تاریخ‌نگاری، تهران: نشر کتاب مرجع، ۱۳۹۰، چاپ سوم، ص ۱۳۵.

۴. ناجی، ص ۱۳۴ / ابن عربشاه، عجائب المقدر فی اخبار تیمور، ترجمه: محمدعلی نجاتی، تهران: بنگاه

ترجمه نشر، ۱۳۳۹، ص ۲۱.

۵. ابن عربشاه، ص ۲۳.

۶. همان، ص ۲۱.

مورخان عصر تیموری از تاریخ محلی - با تمرکز بر جغرافیای خاص - نیز غافل نمانده اند، مهمترین اثر این دوران روضات الجنات فی اوصاف مدینه هرات، تالیف معین الدین محمد زمجی اسفزاری است. دقت مؤلف در ذکر اخبار ملوک و رجال و آثار و ابنیه هرات در کنار پرداختن اسفزاری به احوال شهرهای مهم خراسان و کشمکش های ولات تیموری در این خطه - بعنوان استثنایی بر شیوه تاریخ نگاری محلی - آنرا به اثری یگانه در تاریخ محلی مبدل ساخته است، این گونهء تاریخ نویسی، با انتقاداتی از جمله "مکان محوری" و "دوری از تاریخ های عمومی" و "عدم وجود ابتکار و خلاقیت"^۱ روبرو شده است.

ظفرنامه نویسی - گویا واژه ای مصطلح از برای تاریخ نویسی تیموری است - نه تنها در نثر که در نظم نیز استمرار یافت. عبدالله هاتفی، خواهرزاده^۲ یا عموی شاعر شهیر پارسی گوی عبدالرحمان جامی^۳ تمرنامه یا ظفرنامه را به تقلید از اسکندرنامه نظامی در اعتلای کردار تیمور سرود و اساس خود را بر اطلاعات ظفرنامه یزدی استوار ساخت.^۴ محمد قاسمی گنابادی یا جنابادی، شاهرخ نامه را همانگونه که از نامش پیداست در وصف تاریخ شاهرخ تیموری سرود و به شاه طهماسب تقدیم کرد.^۵

حمایت امیر علیشیر نوایی، سیاستمدار فرهنگ دوست تیموریان، نسل دیگری از مورخان عهد تیموری و معروفترین آثار تاریخی این عهد را پدید آورد که نشان از جهت گیری جغرافیایی آنها در حرکت به سوی شرق است، تا آنجا که می توان گفت حدود مکتب تاریخ نگاری هرات (/ تیموری) را تحدید کرد.

دو اثر ارزنده روضة الصفا فی سیرت الانبیا و الملوک و الخلفا تالیف محمد بن خاوند شاه بن محمود، معروف به میرخواند و تاریخ حبیب السیر فی اخبار افراد بشر تالیف غیاث الدین بن همام الدین محمد الحسینی مشهور به خواند میر - نواده میرخواند - نقطه تکمیل این مکتب و در عین حال نقطه انتقال ارزشها و مفاهیم و سبک تاریخ نگاری تیموری به دوره پس از خود یعنی صفویان به شمار می روند.

۱. عبدالرضا کلمری، بررسی تکنیک ها و فنون تاریخ نگاری محلی دوره تیموری، خردنامه، ۱۳۹۴، ش ۱۴،

۲. میرجعفری، ص ۱۵۲.

صص ۱۲۸-۱۰۱.

۴. همان، ص ۴۳۸.

۳. صفا، ص ۴۳۸.

۵. اشپولر، ص ۱۵۷.

خواند میر، نوه دختری میرخواند آغاز دوره صفوی را درک کرد اما چون سبک و سیاق نگارشش متعلق به مکتب هرات و عهد تیموری بوده، او را نمی‌توان مورخ صفوی دانست گرچه او را می‌توان حلقه واسط انتقال این سبک به تاریخ‌نگاری صفوی قلمداد کرد.

باز بر سر سخنان درباره بازشناسی ریشه‌های مکتب تاریخ‌نگاری صفوی باز گردیم، خانم کوئین دومین عامل تأثیر گذار بر این مکتب (تاریخ‌نگاری تیموری) را چنین گوشزد می‌کند: "....تأثیر ثانوی روی مورخان، سنت تاریخ‌نگاران ترکمن غربی است."^۱ قراقویونلوها (حک ۷۸۲-۸۷۳ق) و آق قویونلو (۷۸۰-۹۰۸ق) دو سلسله ترکمانی بودند که تا برآمدن صفویان حاکمان بلامنازع غرب و جنوب ایران به شمار می‌آمدند. امیر حسن بیک (اوزون حسن) و جانشینش یعقوب، گوی سبقت را در فرهنگ سازی از قوم خویشاوند خود قرا قویونلوها ربودند و دوران درخشان فرهنگی خود را رقم زدند، مهمترین آثار تاریخی این دوران از قلم دو تن اصفهانی با گرایش مذهبی تسنن تراوش کرد، در این دوران مولانا ابوبکر طهرانی - اهل تیران اصفهان - کتاب تاریخ دیار بکر به نامشتمل بر تاریخ حیات حسن بیک آق قویونلو، تحولات دوران قراقویونلو و تیموریان هم عصرش نوشت.^۲ فضل الله بن روزبهان خنجی اصفهانی - مشهور به خواجه ملا - اثر معروف خود تاریخ عالم آرای امینی را با موضوع بیان رویدادهای دوران پس از مرگ ازون حسن و دوران سلطنت سلطان یعقوب نوشت اما جلد دوم اثرش که مخصوص دوران سلطنت بایسنقر است هیچگاه به فرجام نرسید.^۳

تاریخ‌نگاری تیموری از چند جنبه حائز اهمیت است: نخست آنکه سنت تاریخ‌نگاری در قلمرو تمدن اسلامی را در گونه‌های عمومی، سلسله ای و تک نگاری تداوم داد و به دوران پس از خود رساند، دوم تا آنجا که به ادبیات نوشتار مربوط است نسبت به متون دوره مغول و ایلخانان مطالب کمی ساده‌تر نوشته شد، سوم آنکه علی‌رغم تلاشهای بسیار مورخان این دوره، تاریخ‌نگاری در محدوده قدرت سیاسی باقی ماند و جایگاه مستقلی بیرون از دربار بدست نیامد و دست آخر، جنبه مهمتر آن، پی‌افکندن متون بر شالوده جهان‌بینی

۱. شعله کوئین، تاریخ نگاری در دوره صفوی، ترجمه: خسرو خواجه نوری، نشریه پیام بهارستان، ش ۲۱، پاییز

۱۳۹۲، ۳۸۱-۳۷۰. ۲. اشپولر، ص ۱۵۹/ ناجی، ص ۱۳۵.

۳. میرجعفری، ص ۳۲۷/ ناجی، ص ۱۳۶.

مذهبی و عقاید صوفیانه بود، مشیت، عالیتین سطح معرفتی در بیان پی آمدهای تاریخی ملاحظه شد و از همین مجرا شاید سنت تیموری - ترکمانی مهمترین تأثیر خود را بر دوران پس از خود به جا گذاشت ولی این دو گانگی سنت تیموری - ترکمانی، به برابر نهاد تبدیل نشد بلکه به هم نهادی مبدل شد و آثار خود را بر تاریخ نگاری صفوی برجای گذاشت چرا که "... صفویه به عنوان سلسله ای با ثبات حکومت می کرد و تاریخ نگاری اش با ویژگی خاص خود رشد می یافت..."^۱

۱-۳- تاریخ نگاری و تاریخ نگری صفوی

بر زوال تیموریان در شرق آثاری مترتب بود؛ دست کم این اثر در تاریخ نگاری تغییر جغرافیای تدوین آثار از شرق به غرب - با مرکزیت تبریز - و کمترین تأثیر در تاریخ نگاری تغییر معیارهای رایج بینش تاریخی به مبناهای متشیعانه بود.

گرایش مذهبی آن هم از نوع شیعی آن به تدریج بر ذهن مورخان سایه افکند، آن دسته که زمینه های مذهبی داشتند تاریخ را با کلام در هم تنیدند و دسته دیگر که درگاه و دیوان را مد نظر داشتند - یا بر آمده از آنجا بودند، قدری آرام تر نوشتند. از دیدگاهی کلی در این دوره نیز تاریخ نگاری در دو گونه عمومی و دودمانی ادامه یافت در این مورد تیموریان به عنوان وارثان تفکر تاریخ نگاری پیشا صفوی، سلف صفویان به شمار می آمدند.

حکومت صفویان آرام آرام تاسیس و تثبیت شد و مساعی مؤسسان آن - با برجستگی تلاشهای نخست نظامی و سپس سیاسی در تواریخ این دوره منعکس شد این آثار را به اعتبار (الف) بازتاب فضای سیاسی اجتماعی و کلامی و (ب) اهداف تالیف و بازشناسی جایگاه، ذهن و ضمیر مورخ در تبیین رخدادهای تاریخی می توان بررسی و ارزیابی کرد و متناظر با اعتبار نخست می توان (الف) امواج سه گانه تاریخ نگاری صفوی و بازتاب اندیشه شیعی و سپس متناظر با اعتبار دوم (ب) تاریخ نگری، جایگاه و ذهن مورخ را مطرح کرد.

۱. کوئین، همان.

۱-۳-۱ - امواج تاریخ‌نگاری و بازتاب اندیشه‌های شیعی

سلسله صفویان به مثابه حکومتی تئوکراتیک^۱ (Theocratic) برزمینه ای استوار بود که سالها مجاهدت اجداد این خاندان در پهنه فرهنگی ایران با استعانت از مؤلفه‌های دینی در کسوت تصوف و تشیع موجد آن بودند و البته همچون هر حکومتی از رهگذر فرایند کوشش در راستای تأسیس، مجاهدت در مسیر تثبیت و تلاشی نافرجام برای ممانعت از افول می‌گذشت و مورخ نیز حسب پیشه خود بازتاباننده این ادوار بود. متناظر با هر مرحله از فرایند فوق‌الذکر دسته‌ای از آثار - عمدتاً دودمانی - را در قالب امواج سه‌گانه تاریخ‌نگاری صفوی می‌توان برشمرد.

۱-۳-۱-۱ - موج^۲ نخست تاریخ‌نگاری صفوی: حاکمیت روح مذهب، سیاست و نظامی‌گری

تاریخ سیاسی صفویان که با اسماعیل اول شروع می‌شد در مرحله تأسیس با یک مسأله اساسی روبرو بود: ضرورت بازسازی تصویر پادشاهان صفوی به عنوان وارثان حق الهی حکومت اسلامی. کوشش مورخان دوره متقدم صفوی در پاسخ به این ضرورت، موج نخست آثار تاریخی را پدید آورد.

بایسته است بحث درباره نخستین مرحله تاریخ‌نگاری صفویان را از کتاب صفوة الصفا یا اسس المواهب السنیه فی مناقب الصفویه تالیف ابن بزاز شروع کنیم. صفوة الصفا بیرون از قلمرو زمانی صفویان یعنی در حدود سال ۷۵۹ق به پایان رسید اما این کتاب دست‌آویزی شد برای مورخان تا تاریخ‌سازی دودمانی صفویه را آغاز نمایند.

صفوة الصفا تصویری آرمانی از جد اعلای صفویان یعنی شیخ صفی^۳ و مرشدش شیخ زاهد گیلانی را ارائه می‌کند و از این جهت و از نظر جنبه‌های روحانی و معنوی در خور اعتناست. کردار، رفتار، سلوک، شخصیت و فرشته‌خویی شیخ صفوی به گونه‌ای اغراق‌آمیز تصویر می‌شود.^۴

۱. منظور از حکومت تئوکراتیک یا یزدان سالار گونه‌ای از حکومت مد نظر است که در آن قدرت مطلق سیاسی در دست فرمانروای روحانی است که ادعای فرمانروایی از جانب خدا را دارد که حکومت صفوی این گونه بود.

۲. مقصود از اصطلاح موج، تاریخ‌نگاری بر اساس مختصات هر دوره منطبق بر ضرورت سیاسی حکومت است.

۳. ابن بزاز اردبیلی، صفوة الصفا، مصحح: غلامرضا طباطبایی مجد، بی‌جا، ۱۳۷۳، ص ۸۸۳ / مصحح ارجمند کتاب بر این باور است که این کتاب را می‌توانیم از جمله کتبی همچون: کتاب‌های مستطاب

اسرار التوحید و مناقب العارفین به حساب بیاوریم: ابن بزاز، ص ۱۷ / ناجی، ص ۱۳۷.

۴. ابن بزاز، ص ۶.

طرح ابن بزّاز - که شیفتگی او به شیوخ صفوی در اثرش موج می‌زند - در آثار مورخان عهد صفوی به بار می‌نشیند و او و اثرش به عنوان سرمشقی برای اعتلای معنوی خاندان صفوی در نوشته‌های بعد به شمار می‌روند

شیوه تاریخ‌نگاری شرف‌الدین علی یزدی در ظفرنامه و بینش متشیعانه صفوة الصفابه زودی در فتوحات شاهی امیر سلطان ابراهیم امینی هروی "تنظیم و تنسیق و ترتیب و تلیف" یافت و به یکی از مهمترین منابع دوره سلطنت شاه اسماعیل اول و تاریخ ابتدایی صفویه تبدیل شد. دیگر مورخی که بر دستاوردهای متقدمین خود با الهام از آثارشان اثری شامخ را افزود، نویسنده ای برآمده از قبیله آذری روملو بود. حسن بیگ روملو قورچی باشی درباره شاه طهماسب برای بیان رخدادهای سالهای ۹۰۰ تا ۹۸۵ ق طرح تاریخ عمومی احسن التواریح را ریخت. اثر او آنجا که مربوط به ایران است - و از لحاظ ما اهمیتی خاص دارد - التقاطی است از کتب مهمی مانند مطلع سعدین و کتاب دیار بکریه و حبیب‌السیر^۲ که بار دیگر نشانگر ریشه‌های تیموری تاریخ‌نگاری صفوی است. جلد یازدهم این اثر فراز و نشیب‌های سلطنت اسماعیل اول و عمر سیاسی دراز طهماسب و دولت مستعجل شاه اسماعیل دوم و سال اول از حکومت شاه محمد خدابنده را بیان می‌کند. تاریخ او به صورتی جدی متأثر از پیشه مورخ است. بنا بر این طبیعی است که حجم قابل توجهی از مطالب را شرح و بسط اقدامات نظامی شکل دهد. گفته می‌شود او در تدوین اثرش به سنت پیشین پشت پا زده و حوادث را بر اساس توالی با برجستگی اقدامات نظامی شرح می‌دهد.^۳

بینش شیعی در دوران متقدم تاریخ‌نگاری صفوی خود را در اثر شدید متشیعانه، نویسنده گمنام و پر حرارت جهانگشای خاقان نشان می‌دهد. نویسنده گمنام جهانگشای خاقان تمامی هم خود را با استفاده گسترده از آثار متقدم و روش آنان^۴ همچون صفوة الصفاه، حبیب‌السیر و فتوحات شاهی، مصروف تاریخ‌سازی از برای صفویه و کیفیت برآمدن آنها بویژه شاه اسماعیل^۵ کرده است. گرچه

۱. ابراهیم امینی هروی، فتوحات شاهی، تصحیح: محمدرضا نصیری، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۸۳، ص ۱۷/ ناجی، ص ۱۳۸.

۲. حسن بیگ روملو، احسن التواریح، به اهتمام: دکتر عبدالحسین نوایی، تهران: اساطیر، ۱۳۸۴، ص ۶۵.

۳. جهانبخش ثواقب، تاریخ‌نگاری عصر صفویه و شناخت منابع و مأخذ، شیراز: نوید شیراز، ۱۳۸۰، ص ۳۳.

۴. جهانگشای خاقان، ص ۳. ۵. همان، ص ۴.

او با هدف بی‌بدیل ساختن اثر از برشمردن منابع کتابش اجتناب کرده است اما بازسازی متهورانه یا آفرینش غالبانه تاریخ صفویه به شیوه ای داستان گونه، اساس تاریخ‌نگاری این کتاب را تشکیل می‌دهد او برای اسماعیل الوهیت قائل می‌شود و نقش علی (ع) بر جسته‌تر از دیگر اولیای الهی می‌بیند که در این میان اسماعیل یکی از سه مؤلفه خدا، علی و اسماعیل قلمداد می‌گردد.^۱

تاریخ سازی برای صفویه در کسوت تواریخ عمومی دیگر از بیان کرامات اولیاء الهی و خواب نما شدن سلاطین نخستین صفوی فراتر رفت و قدری عمیق‌تر و در عین حال جدی‌تر شد. تاریخ و کلام در هم تنیدند و این مباحث الهیاتی بود که به ذهنیت مورخ شکل تازه ای می‌بخشید. قسم چهارم از کتاب لب التواریخ یحیی بن عبداللطیف قزوینی برآیند این اتفاق است. قزوینی علیرغم اینکه جان بر سر اعتقاد تسنن خود سپرد^۲ کتابش رنگ و بوی شیعی دارد. استنادات او به آیات قرآن، تاریخ‌نگاری او را کلامی‌تر جلوه می‌دهد.^۳

در سال ۹۹۹ق قاضی احمد قمی از دیوانیان صاحب نام خلاصه التواریخ را نوشت. خلاصه التواریخ تحولات سیاسی اجتماعی ایران را که منجر به تأسیس دولت شیعی مذهب صفویان می‌شود جمع آوری و به شکل واقعه نگاری با "لحن صریح و انتقادی" (قمی، ۱۳۵۹: ۱۹) مدون ساخت. در متن کتاب "دل‌بستگی او به علم و هنردر وقایع نگاری." (همان: ۱۷) و ادب و بالاخص رجال شیعه عیان است.

نقطه تلاقی تاریخ سیاسی صفویه به عنوان "وارثان سلسله علیّه علویه"^۴ و شاهان باستانی ایران را در تکلمة الاخبار عبدی بیگ می‌توان یافت. تکلمة الاخبار همان گونه که می‌توان از نامش استنباط کرد به تواریخ عمومی برای استفاده در تاریخ دودمانی صفوی استناد جسته است. حکومت "پادشاهان عالی جاه صفویه امامیه اثنی عشری خلدت دولت‌هم^۵" را تکمیلی بر

۱. برای مثال، داستان "رخصت خروج یافتن از حضرت صاحب الزمان..." او را به عنوان جانشین بر حق امام غائب تعالی می‌دهد. نک: جهانگشای خاقان، ص ۸۳.

۲. مرحوم محدث ارموی، مصحح کتاب بر این باور است که عدم پذیرش تشیع صفوی باعث شده تا "...معاندین این وصله را به او چسبانده اند." (عبدالطیف قزوینی، لب التواریخ، تصحیح: میرهاشم محدث ارموی، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۸۶، ص ۱۱.

۳. همان، ص ۲۶۷.

۴. عبدی بیگ شیرازی، تکلمة الاخبار، تصحیح: عبدالحسین نوایی، تهران: نشر نی، ۱۳۶۹، ص ۳۵.

۵. همان، ص ۳۴.

سیر تاریخی که از انبیاء بنی اسرائیل شروع می‌کند دانسته و سپس چرخ تاریخ را از میان تاریخ اسلام، ایران باستان و سلسله سلاطین اسلامی عبور داده و این سیر را در دولت صفوی کامل می‌کند.^۱ جالب اینکه پادشاهان معاصر صفویه، در قلمرو جغرافیایی عراق عرب، حجاز و ماوراء النهر در خاتمه کتاب و به عنوان ذیل - فرع - تلقی می‌گردند.^۲

آگاهی‌های سودمند در باره اقتصاد دوره صفوی را می‌توان از جواهر الاخبار بوداق منشی قزوینی دریافت. منشی قزوینی که سرنوشتش با تشکیلات دیوانی بالاخص آنچه خود از آن به سمت محرّری یاد می‌کند گره خورده و فراز و نشیب زندگیش نیز عمدتاً منبعت از عاملی اقتصادی و اداری بوده است اثرش را "بنابر ذوق"، "حصل امله" و "حسن عمله"^۳ تالیف کرده است به حسب حرفه، آمار و ارقام جالبی را از اوضاع اقتصادی پادشاهی خاندان صفوی تا روزگار مؤلف ارایه می‌دهد.^۴

بر آثار پیش گفته باید تذکره شاه طهماسب را نیز افزود که در کنار آثار موج اول در بازسازی حیات سیاسی، فرهنگی و اجتماعی صفویان بسیار با ارزش است.

موج نخست تاریخ‌نگاری صفویان با تأکید بر آثار پیش گفته - به عنوان آثار برجسته این دوره زمانی - از دو جهت قابل توجه است: نخست جنبه نظری، یعنی تبلور تلاشهای مورخان در عینیت بخشیدن به ذهنیت مؤسسان سلسله صفوی در انتساب به امر قدسی از طریق مذهب شیعه و ذّریه پیامبر(ص) که در صفوة الصفا به عنوان الگوی نظری مورخان مطرح شد و دوم جنبه عملی، یعنی تاریخ سازی با تکیه بر اصل تقدس خاندان صفوی و واقعه نگاری شتاب زده با اتکاء بر اقدامات نظامی مؤسسان سلسله. هر چند بر اساس معیارهای تاریخ‌نگاری انتظار آثاری پخته که گویای وقایع - به معنی عام - به گونه ای جامع و مانع باشد، نمی‌رفت اما در برخی آثار، مؤلفه‌هایی همچون اقتصاد و فرهنگ نیز خودنمایی می‌کند. اینک موج نخست تاریخ‌نگاری صفوی به موازات صیورورت سیاسی سلسله آماده بود تا در مرحله دوم گام نهد.

۱. اشپولر، ص ۱۶۳.

۲. عبدی بیگ، ص ۱۶۸.

۳. بوداق منشی قزوینی، جواهر الاخبار، تصحیح: محسن بهرام نژاد، تهران: میراث مکتوب، ۱۳۷۸، ص ۵۸.

۴. اشپولر، ص ۱۶۴.

تاریخ‌نگاری صفوی: تاریخ‌نگاری ایدئولوژیک ۱۷

جدول ۱-۱: موج نخست تاریخ‌نگاری: حاکمیت روح مذهب، سیاست و نظامی‌گری
(پهنه زمانی: ۷۵۹-۹۹۶ ق)

ویژگی‌های موج نخست	برخی آثار
تفوق تلاش‌های نظامی و سیاسی بر سایر رویکردها کوشش در تاریخ‌سازی برای مؤسسان سلسله صفوی تلاش در جهت انتساب صفویان به امر قدسی از طریق مذهب شیعه	صفوة الصفا (۷۵۹ ق)
	فتوحات شاهي (۹۲۶ ق)
	احسن التواریخ (۹۸۵ ق)
	جهانگشای خاقان (۹۵۵-۹۴۸ ق)
	لب التواریخ (۹۴۸ ق)
	خلاصه التواریخ (۹۹۹ ق)
تکملة الاخبار (۹۷۸ ق)	

۱-۳-۱-۲- موج دوم تاریخ‌نگاری: نفوق نگاه اجتماعی

اگرچه مذهب شیعه در نخستین ساعات حضور شاه اسماعیل در تبریز رسمیت یافت اما چالش‌های دوران متقدم صفوی، فرایند تثبیت را به دوران حکمرانی شاه عباس اول، محول کرد. شاه عباس برای اعتلای نظام صفوی الهیات شیعی را در دستگامی فقهی انتظام بخشید و اندیشه‌های مماثل آن همچون تصوف را از صحنه به در کرد و پس از اطمینان از قوام آن، جامعه ای چند صدایی با تکثر دینی بوجود آورد.^۱ اینک مورخان عهد عباسی آماده بودند تا موج دوم تاریخ‌نگاری صفوی را با نگاهی اجتماعی و دوری از مسائل اولیه همچون رجحان تاریخ نظامی بر سایر ابعاد ایجاد کنند.

نخستین جهت‌گیری‌ها در تاریخ‌نگاری صفوی به سوی طرح مسائل غیرسیاسی و اجتماعی در نقاوة الآثاری ذکر الاخبار تألیف محمود بن هدایت الله افوشته ای نطنزی مشاهده شد.^۲ نطنزی رویدادهای دوران شاه طهماسب تا یازده سال نخست حکومت شاه عباس اول را در کتاب بیان می‌کند^۳ و البته قسمت اخیر مفصل‌تر است.^۴ بحث در باره درگیری‌های حکومت با متجاوزان بیگانه و بیان نحوه رویارویی قدرت حاکمه با عصیان سران قزلباش - که بُعدی از

۱. سیوری، ایران عصر صفوی، ص ۹۷. ۲. اشپولر، ص ۱۶۷ / ثواقب، ص ۵۷.

۳. محمودین هدایت الله افوشته ای نطنزی، نقاوة الآثاری، تصحیح: دکتر احسان اشراقی، تهران: علمی و

فرهنگی، ۱۳۷۳، چاپ دوم، ص ۱۵. ۴. همان، نک، ص ۲۴۷ به بعد.

سیاست موازنه قدرت شاه عباس ارزیابی می‌شود - در کنار بیان بسیاری از حوادث اجتماعی از وجوه امتیاز این اثر به شمار می‌آید.^۱

یگانه اثر منحصر به فرد و از امهات تواریخ صفوی را اسکندر بیک منشی ترکمان "بزرگترین مورخ عصر صفوی در قرن یازدهم"^۲ به مجموع آثار تاریخی این دوره افزود. تاریخ عالم آرای عباسی با محوریت تاریخ حکومت شاه عباس اول با همه وجوه امتیازی که دارد، اثری کاملاً حکومتی است. عالم آرای عباسی تاریخ نظامی را بر ابعاد دیگر تاریخ ترجیح می‌دهد: نخست به دلیل اینکه اقدامات نظامی صورت گرفته غالباً با موفقیت توأم بوده است، دوم آنکه شاید به زعم اسکندر بیک بیان اقدامات نظامی می‌توانست اقتدار شاه صفوی را بهتر منعکس سازد.

همچنین تاریخ عالم آرای عباسی در بیان احوال طبقات مختلف اجتماعی قدری متفاوت‌تر می‌نویسد: نخست به دلیل آنکه به احتمال قریب به یقین متأثر از سیاست موازنه قدرت شاه عباس بوده است. و دوم آنکه این مقدار تراجم احوال نیز بر اساس نسبت حکومت و کارگزاران تعیین می‌شود و دست آخر آنکه برای او این کارگزار می‌توانسته برآمده از هر طبقه ای باشد، مهم آن است که تعلق او به دربار اندکی رعایت شود.

عالم آرای عباسی تاریخ تحول اجتماعی و اقتصادی را نیز به طور جدی مد نظر دارد او اطلاعاتی ویژه و مهم از امور مالی و وصول مالیات ارایه می‌دهد و دست کم می‌توان آنها را به دلیل اشراف و دسترسی نویسنده به اسناد دیوانی موثق دانست. او از جنبش‌های مردمی مفصلاً سخن به میان می‌آورد هر چند در بیان رویداد نسبت به منشأ و سرنوشت جنبش‌های اجتماعی، غرض ورزانه حُب حکومت و بُغض مردم مشاهده می‌شود. و دست آخر آنکه این اثر مهم تاریخ صفویه هم از موج نخست تاریخ‌نگاری عصر صفوی متأثر و هم فعالانه در آثار بعدی تأثیرگذار است.

اثر دیگری که می‌تواند به دلیل گونه نگارش یکی از وجوه امتیاز اثر و در عین حال بخشی از موج دوم تاریخ‌نگاری صفوی باشد، تاریخ عباسی یا روزنامه ملاجلال منجم یزدی است. این اثر که رویدادهای سالهای ۹۷۹ تا ۱۰۲۰ق را بازگو می‌کند، اولین اثر روزنامه نگاری در ایران است. روزنامه ملاجلال نیز متأثر از پیشه مؤلف است آنجا که می‌توان شیوه سالشمار را پیوند دقایق نجومی و اهمیت ضبط تاریخی دانست. از دیگر آثار مهم موج دوم افضل التواریخ تالیف فضلی

۱. ثواقب، ص ۵۷.

۲. ثواقب، ص ۵۹.

تاریخ‌نگاری صفوی: تاریخ‌نگاری ایدئولوژیک ۱۹

اصفهان‌ی با گزارشی از سفر همایون به ایران است و دیگری روضة الصفویه میرزا بیگ بن حسن حسینی گنابادی است. وجه امتیاز اثر میرزا بیگ را می‌توان پرداختن به مسائل اجتماعی همچون آداب و رسوم روزگار دانست که می‌تواند کمکی شایان به دید بهتر حیات فرهنگی آن روزگار باشد. موج دوم تاریخ‌نگاری صفوی با آثار خرد و کلان خود در گونه‌های عمومی، محلی و دودمانی بر پشته تواریخ موج نخست استوار بود اما در ماهیت تواریخ این دوره تغییری پدید آمد به گونه‌ای که مسائل نظامی اهمیت موج نخست را از دست داد، متناسب با سیاست توزیع قدرت شاه عباس به ضبط حقایق پرداخته شد و مسائل اجتماعی ناشی از بسط فضای سیاسی به نفع جامعه خودنمایی کرد. ضمن آنکه بهترین، بیشترین و بزرگترین کتب تاریخی عصر صفوی محصول این دوره است.

جدول ۱-۲: موج دوم تاریخ‌نگاری: تفوق نگاه اجتماعی - پهنه زمانی: (۹۹۶ - ۱۰۳۸ ق)

ویژگیهای موج دوم:	برخی آثار
استمرار آثار در گونه‌های عمومی، محلی و دودمانی اهمیت یافتن و انعکاس مسائل اجتماعی تولید بیشترین و حجیم‌ترین کتب تاریخی عصر صفوی	نقاوة الآثار فی ذکر الاخیار
	تاریخ عالم آرای عباسی
	تاریخ عباسی یا روزنامه ملاجلال
	افضل التواریخ
	روضة الصفویه

۱-۳-۱-۳- موج سوم: هویت یابی تاریخ‌نگاری نهاد مذهب

رواج الهیات و کلام جدید خاص شیعی از دوران شاه عباس به بعد موجی از تاریخ‌نگاری را رقم زد که می‌توان آن را - برغم وجود متونی با رویکرد تاریخ اسلام و شیعه در سالهای قبل - ظهور تاریخ‌نگاری شیعی نامید.

پهنه زمانی این دوره سال‌های حکومت صفویان پس از شاه عباس تا انحطاط و افول این سلسله را در بر می‌گیرد. دیگر نهاد دین - اختصاصاً مذهب شیعه - به استقرار کامل خود رسیده بود.^۱ الهیات شیعی روایتگر هنجارهای حاکم بر سیاست و اجتماع بود و علوم عقلی کار

۱. منصور صفت گل، تاریخ نویسی در ایران عصر صفوی (۱۱۴۸-۱۰۳۸) مراحل و گونه شناسی، پژوهش‌های علوم تاریخی، ۱۳۸۸، صص ۸۴-۶۵.

بست این دستگاه را نظام مند می‌ساختند. بنا براین با توجه به خصایص این دوره طبیعی بود که تاریخ‌نگاری نیز باز نمودی از این دستگاه عقیدتی باشد.

در بررسی جریان تاریخ نویسی این دوره بالضروره باید از جریان عمومی تاریخ نویسی شروع کرد و با توجه به خصایص عمومی این دوره که حاکمیت طرز فکر مذهبی است. می‌توان دسته بندی (الف) بررسی تواریخ عمومی سلسله ای و (ب) تاریخ نویسی مذهبیون یا تاریخ‌نگاری نهاد مذهب را پیشنهاد کرد.^۱

محمد معصوم بن خواجگی اصفهانی - مشرف اصطبل سلطنتی - در دوران شاه صفی، طرح تألیف یک تاریخ عمومی را ریخت، اما شاه صفی او را از ادامه این کار بازداشت و او را بر تألیف کتاب خلاصه السیر که اختصاصاً اخبار روزگارش بود، مکلف ساخت. تاریخ صفویه از آغاز تا پایان شاه صفی را ولی قلی بیگ شاملو در کتاب قصص الخاقانی گرد آورد. عباسنامه یا تاریخ طاهر وحید را محمد طاهر وحید قزوینی، برادر محمد یوسف، مؤلف تاریخ خلد برین در تاریخ شاه عباس ثانی نگاشت. تاریخ ملا کمال بن جلال منجم آن طور که خواهد آمد، تاریخ مختصر عمومی است که قسمت دوم کتاب از اهمیت درخوری در وصف اوضاع دوران شاه عباس دوم برخوردار است و این اثر نشانگر تألیف تواریخ عمومی کم حجم و نمودار تلفیق گونه عمومی - دودمانی است.^۲ اثر دیگری که متأثر از سبک اثر اسکندر بیگ منشی است کتاب خلد برین محمد یوسف واله اصفهانی است این کتاب تاریخ عمومی است در هشت روضه که روضه تدوین شده آخر حاوی تاریخ ایران در عهد صفویه می‌باشد او بر مبنای شیوه پیشینیان در بیان وقایع تاریخی قبل از خود متکی بر منابع پیش گفته است و در بیان حوادث عصر خود، بر مسموعات و مشاهدات شخصی اتکاء دارد. اهمیت کتاب بیشتر متوجه بخش تراجم آن است که به قیاس تاریخ عالم آرای عباسی به شرح حال طبقات مختلف می‌پردازد. دیگر اثر قابل ذکر این دوران وقایع السنین والاعوام اثر سید عبدالحسین خاتون آبادی (۱۰۳۹ - ۱۱۰۵ق) از معاصران شاه سلیمان و از "فضلاى اصفهان" و "شاگرد صاحب کفایه" و "محمدتقی مجلسی"^۳ است که تاریخی را مطابق با ترتیب سنوات تدوین و به موازات

۱. همان.

۲. صفت گل، همان

۳. عبدالحسین خاتون آبادی، وقایع السنین والاعوام، تصحیح: محمدباقر بهودی، تهران: اسلامیه، ۱۳۵۲، ص ۵.

هر سال مهمترین وقایع تاریخی را ضبط کرد. وقایع السنین از ملال آوری تکرار اجتناب کرده، مشاهدات خود را با قید سال و ماه با رجوع به منابع متعدد برگزیده و در عین حال تاریخ عمومی را ارایه کرده است. یگانه اثر منحصر به تاریخ شاه سلطان حسین صفوی را محمد ابراهیم بن زین العابدین نصیری - مجلس نوین شاه صفوی - به آثار پیشینیان خود افزود. وی با هدف ارایه سرمشقی در سیاست مدن - آیین مملکتداری - آن هم منطبق بر سلوک آخرین شاه صفوی، دستور شهریاران را به رشته تحریر در آورده است.^۱ اشراف نصیری بر معارف دینی و ادبی را در پس نثر موزون و مسجع او که از احادیث و آیات بهره فراوانی برده است^۲ می‌توان دریافت.

مذهب یگانه عامل مهم تأثیرگذار بر فرهنگ و اجتماع صفوی، مجال تأثیر بر متون این دوره یافته است جدا از آنکه عمدتاً در تواریخ عمومی دوره صفویه از آغاز تا پایان مطالبی در خصوص زندگی پیامبران، تاریخ صدر اسلام و زندگی امامان شیعی (ع) می‌یابیم اما به موازات تاریخ‌نگاری، گونه ای تاریخ نویسی متأثر از شیوه حدیث نگاری در حیات فرهنگی صفوی آغاز شد. بارقه‌هایی از این نوع تاریخ‌نگاری را می‌توان در تخصیص بخشی از کتب به تراجم با محوریت علما و فضلالی شیعی در متونی همچون عالم آرا مشاهده کرد که در مقام قیاس می‌توان آن را در عرف معارف حوزوی به رجال تعبیر کرد. اگر محوریت این گونه تاریخ‌نگاری را نخست پیامبران سپس امامان شیعی (ع) و دست آخر علمای شیعه - به عنوان متولیان امور دینی در عصر غیبت - بدانیم بنا براین هویت متمایزی برای اینگونه تاریخ‌نگاری قائل شده ایم. گونه ای که در مینا و ماهیت تمایزات فاحشی با تاریخ‌نگاری عمومی و بالاخص دودمانی دارد. در تاریخ‌نگاری دودمانی تا آنجا که به صفویان مربوط می‌شود، سعی بلیغ و کوشش بی دریغ مورخان، برانگیختن حس یگانگی میان سلطان صفوی و نائب مشروع امام غایب در خواننده بود در این گونه تاریخ‌نگاری مذهبی، سیر تاریخ با نگاهی شیعی بازآفرینی و منابع آنان از منابع اهل تسنن جدا شد، برای گسترش اندیشه شیعی، زبان فارسی نیز در کنار زبان عربی - به عنوان زبان رسمی معارف دینی - ملاحظه شد و اهل تسنن به عنوان مخالفان دین از تاریخ جدید نهاد مذهب پاک شدند.^۳ در این فرآیند،

۱. محمد ابراهیم بن زین العابدین نصیری، دستور شهریاران، به کوشش: محمدنادر نصیری مقدم، تهران: بنیاد

موقوفات افشار، ۱۳۷۲، ص ۳۰.

۲. همان، ص ۳۱.

۳. صفت گل، همان.

سیر تاریخ آفرینش از خلقت حضرت آدم(ع) آغاز می‌گردد، تاریخ پیامبران روایت می‌شود و تاریخ اسلام با تأکید بر نقش امام علی(ع) و نظریه امامت ارزش شایان توجهی می‌یابد. تقابل اموی / علوی و عباسی / علوی با تأکید بر تاریخ و امامان شیعه برجسته گردید و مظلومیت و شهادت به عنوان استراتژی جدی مذهب شیعه منعکس گردید. این سیر پس از ائمه به شرح حال علمای شیعی و نقش کارساز آنان در گسترش آموزه‌های شیعی می‌پرداخت. اگر چه به این بخش یعنی تراجم علمای شیعه، در کتب جداگانه نیز پرداخته می‌شد.

موج سوم تاریخ‌نگاری صفوی در گونه عمومی و دودمانی ابتکارات و روند تواریخ گذشته را در آثار کم حجم و عمومی دنبال کرد. شاید به دلیل اینکه تکرار گذشته، بیهوده تلقی می‌گردید و ابتکار جدیدی نبود اما تاریخ دودمانی به اقتضای سیر سیاست و سلطنت در سپهر زمان هیچگاه از رونق نیفتاد اگر چه میزان آثار تألیفی نسبت به ادوار قبلی از حجم کمتری برخوردار بود اما خصیصه ای که نمی‌توان از کنار آن گذشت و وجودی منحصر دارد هویت مشخصی است که تاریخ‌نگاری مذهبی به واسطه کوشش علمای دینی به دست آورد. تمامی آثار تاریخی ادوار مختلف حکومت صفوی و امواج مختلف تاریخ‌نگاری به دلیل به دست دادن زمینه فکری مناسب از سوی مذهب در معنی عام، تاریخ‌نگاری دینی تلقی می‌گردند. در دوره پس از تثبیت یعنی پهنه زمانی پس از شاه عباس اول، دو شخصیت روحانی متنفذ در سومین موج تاریخ‌نگاری تأثیرات فراوانی گذاشتند.

به هر روی هر دو دسته تاریخ‌نگاری از یک میراث مشترک - یعنی مذهب شیعه - بهره بردند. کوشش جمیع مورخان در بازسازی تصویر پادشاهان صفوی به عنوان نمایان امام غایب لزوماً آنان را وادار به روایتی از تاریخ می‌ساخت که مؤلفه‌های شیعی همچون نبوت، امامت، و دست آخر مهدویت می‌بایست این سیر را تکامل بخشید. اکثر تواریخ این دوره روایتی مختصر از تاریخ پیامبران و تاریخ صدر اسلام را با هدف بیان مقدمه ای برای ورود به تاریخ امامان شیعه بیان می‌کنند. در غالب تواریخ این دوره روایت تاریخ پیامبران، اصل قرار می‌گیرد و تاریخ پادشاهان هم عصر آنان، فرع بر آن و به موازات روایت می‌شوند.

تاریخ‌نگاری صفوی: تاریخ‌نگاری ایدئولوژیک ۲۳

جدول ۱-۳: موج سوم تاریخ‌نگاری: هویت یابی تاریخ‌نگاری نهاد مذهب

پهنه زمانی: (۱۰۳۸ - ۱۱۳۵ ق)

برخی آثار	ویژگیهای موج دوم:
خلاصه السیر	تفوق رویکردهای مذهبی - شیعی بر سایر رویکردها برجسته ساختن مؤلفه‌های شیعی همچون نبوت، امامت، و مهدویت تأکید بر نقش و تاریخ علمای مذهبی بازخوانی تاریخ تشیع تصویر حکیمانه از شاه صفوی
قصص الخاقانی	
عباسنامه یا تاریخ طاهر وحید	
تاریخ ملا کمال (۱۰۸۹)	
خلد برین	
وقایع السنین والاعوام	
دستور شهریاران	
آثار علامه مجلسی	

۱-۳-۲- تاریخ‌نگاری، جایگاه و ذهن مورخ

بدوی‌ترین تقسیم در راستای بازشناسی ذهن و ضمیر مورخ را می‌توان در جایگاه او در طبقات اجتماعی صفویه و پیشه ایشان جستجو کرد. دسته نخست مورخان صفوی را می‌توان در طبقه عالمان مذهبی جای داد که بر حسب پیشه خود با عناوینی همچون قاضی، ملا و صدر از آنان یاد می‌شود، از آن جمله‌اند: روزبهان خنجی، قاضی احمد قمی، قاضی احمد غفاری، و دسته دوم قدری عمومی‌تر است، اعضای این دسته منشیان، دیوانسالاران و صاحبان مناصب اداری شکل می‌دهد که از آن جمله‌اند: حسن بیک روملوا اسکندر بیک ترکمان، بوداق منشی و ملاجلال منجم و ملاکمال منجم.

دسته نخست علاوه بر تألیف تواریخ عمومی و دودمانی دوره صفویه به طور خاص متوجه تواریخ مذهبی (بالمعنی الاخص) شدند و دسته دوم هر چند در فضای فکری مذهبی صفویه نوشته اما میراث دار گونه تاریخ‌نگاری عمومی - دودمانی به شمار می‌آمدند.

این دسته از مورخان به دلیل حرفه دیوانی خود اشرافی بر منابع حکومتی داشته و در نتیجه درک بهتری از اجزای ساختار حکومت و پدیده‌های سیاسی - اجتماعی پیدا کردند. آنان علی‌رغم تلاشهای خود نتوانستند وجه اجتماعی تاریخ را از زیر سایه بلند وجوه نظامی و سیاسی تاریخ صفویه رهایی بخشند کاری که مورخان دسته دوم از پس آن تا حدودی برآمدند. به همان میزان که جایگاه، منزلت اجتماعی و پیشه مورخ در تنظیم ادبیات و محتوای گزارش‌های تاریخی او تأثیر دارد به همان نسبت نیز نوع نگاه او به تحولات پیرامون برخاسته از ضمیر مورخ است.

۱-۴- نتیجه گیری:

تاریخ‌نگاری صفوی علیرغم اقتباس قالب از دوران قبل از خود، به گونه ای متمایز به حیات خود ادامه داد. تواریخ عمده صفوی بر شالوده روابط شاه و مورخ شکل گرفت و تصویر اقدامات نظامی به منظور تعالی بخشی به اقتدار شاه صفوی بر سایر ابعاد رجحان یافت، بینش مذهبی از شاه، منجی وحدت بخشی بر سرزمین ایران می‌ساخت که با اتکاء بر ایدئولوژی (تفکر) پویای شیعی مکلف به برقراری امنیت، ثبات و استحکام پایه های دین است و این خود جز از رهگذر نبردهای پی در پی و بی‌امان محقق نمی‌گردد.

به دلیل تعریف تاریخ به معنی توالی رخدادها و بازگویی آنها، معرفت به علم تاریخ، به شواهد آن یعنی رخدادهای نظامی و سیاسی محدود ماند و فقدان وجوه نظری در این باب همچنان نگذاشت تا تاریخ علمی و انتقادی هر چند مختصر آغاز گردد و تبیین رخدادها بر اساس توجیحات علمی صورت پذیرد.

در مقایسه تاریخ‌نگاری عصر صفوی با دوران قبل، تاریخ‌نگاری صفوی تنها بعدی از این پهنه فرهنگی است که اطلاق عنوان منحط بر آن منصفانه به نظر نمی‌رسد. تاریخ‌نگاری صفوی بر اساس معیارهای نو، انتقادی و علمی نیست چنانکه این ارزیابی درباره سراسر تاریخ‌نگاری ایران می‌تواند دست کم نتایجی مشابه در پی داشته باشد. تاریخ‌نگاری صفوی همچنین نتوانست بیرون از قلمرو حاکمیت و رعایت نسبت دربار و مورخ حیات مستقلی بیابد این ارزیابی نیز می‌تواند دست کم مشابهاتی در ادوار مختلف تاریخ ایران پیدا کند.

اما تاریخ‌نگاری صفوی به عنوان ملتقای دو سنت شرقی با محوریت مکتب هرات و سنت ترکمانی غرب ایران، موجد حیاتی نو در عرصه تاریخ‌نگاری ایران است. این هم‌افزایی دو سنت تاریخ‌نگاری، از سوئی استمرار سبک و سیاق تاریخ‌نگاری پیشا صفوی است و از سوی دیگر محصول نگاه هستی‌شناسانه این عهد است. آثار تاریخی این دوران بر شالوده بینش ایدئولوژیک (صوفیانه - متشیعانه) شکل گرفت و مبنایی شد که تبیین وقایع تاریخی نیز مبتنی بر بینش دینی ارایه گردند تا اینکه در دهه‌های پایانی حکومت صفویان، که نهاد رو به گسترش مذهب کلامی‌تر نگریده می‌شد تاریخ‌نگاری شیعی و اسلامی مستقل‌تر ابراز وجود کند.

فصل دوم

**بررسی حیات سیاسی - فرهنگی ملا کمال و
خاندان منجم یزدی**

۲-۱- کلیات

کانون توجه پژوهش در این فصل بر معرفی اصول و اندیشه خاندان منجم یزدی بویژه ملا کمال و اثرش زبده التواریخ متمرکز است اما در بدو پژوهش با یک مسأله اساسی روبرو هستیم؛ فقر اطلاعات لازم از احوال این خاندان، مشکلی که در نقد تاریخ‌نگاری مورخان دیوانی در برهه‌هایی از تاریخ ایران کماکان وجود دارد.

نویسندگان منابعی چون «رجال» یا «وفیات» که در زمره آثار مذهبی قرار دارند این مشکل را در قلمرو اهل مذهب مرتفع ساخته‌اند اما فقر اطلاعات از احوال خاندان‌ها همچنان باقی است. از خاندان منجم یزدی - ملاجلال، ملاکمال و ملاجلال ثانی - نیز علیرغم اهمیت و نفوذ در دهه‌های نسبتاً طولانی در دربار صفوی، اطلاع چندانی در دسترس نیست اگرچه منابع دوره صفوی علاوه بر گزارش‌های تاریخی متضمن پراکنده‌گویی در خصوص بسیاری از شخصیت‌های مختلف این دوران هستند اما به ندرت نامی از اعضای این خاندان می‌یابیم تا جایی که می‌توان گفت بقای نام این خاندان به واسطه آثاری است که از خود بر جای گذاشته‌اند. در جستجوی احوال این خاندان به کتب و منابع دوره صفویه همچنین به پژوهش‌های مختلف با اولویت آثار این خاندان مراجعه شد.

سر سلسله جنبان آثار تاریخ‌نگاری خاندان منجم، تاریخ عباسی اثر ملاجلال معروف به روزنامه ملاجلال است این اثر مهم‌ترین و با ارزش‌ترین متن از برای شناخت خاندان منجم است. ملاجلال به ثبت روزانه خاطرات خود در کنار شاه عباس در پهنه زمانی سال‌های ۹۹۸ ق تا ۱۰۲۰ ق پرداخته است.^۱ گزارش‌هایی که در قالب حکایت و روایت منعکس شده‌اند و بیشتر

۱. علی اصغر مصدق، خاندان منجم یزدی و تاریخ‌نگاری دوره صفوی، کتب ماه تاریخ و جغرافیا، ۱۳۷۹، ص ۳۳۳۸-۳۷.

نشانگر جایگاه وی در نزد شاه صفوی است تا اطلاعاتی درباره خانواده‌اش. به هر حال تاریخ عباسی در شناخت زندگی و زمانه ملاجلال می‌تواند مفید باشد. چنانکه خواهیم گفت ملاکمال در زبدة التواریخ از نحوه ورود این خاندان به سپهر سیاست تا حدودی پرده بر می‌دارد.

زبدة التواریخ دومین اثر این خاندان، درعین حال دومین منبع ما در شناخت آنان نیز می‌تواند باشد. اطلاعات منحصر به فرد او از دستگاه حکومت شاه صفی (حک: ۱۰۳۸ - ۱۰۵۲ق) و شاه عباس دوم (حک: ۱۰۵۲ - ۱۰۷۷ق) به انضمام اطلاعاتی که از پدرش ارابه می‌دهد بر ارزش و یگانگی اثرش می‌افزاید او در کتابش توضیح می‌دهد که چگونه ملاجلال در سال ۹۹۴ق به شاه صفوی می‌پیوندد، گزارشی که ملاجلال از آن ذکری نکرده است.^۱

جلال الدین ثانی با تاسی از پدر بزرگش، صحیفه‌ای کوچک را به نام تاریخ عباسی در قالب و نام تقلید کرد^۲ کرامات شاه عباس محور اصلی این رساله کوچک است او بسیاری از گزارش‌ها را از تاریخ عباسی ملاجلال گرفته برداری نموده و بسیاری از حکایات را نیز به این اثر افزوده است.

متأسفانه در دیگر منابع صفویه اطلاعات چندانی از این خاندان نمی‌یابیم. قاضی احمد قمی در بیان جریان خواستگاری شاه عباس از دختر خان احمد گیلانی، به نقش ملاجلال اشاره می‌کند: "...و بالاخره رای عالم آرا بر آن قرار گرفت که عمدة المنجمین و قدوة المستخرجین مولانا جلال الدین منجم.... روانه سازند..."^۳ نطنزی در کنار بیان حادثه تنبیه حاکم لرستان به نام ملاجلال اشاره‌ای گذرا دارد: ".. از مولانا جلال الدین یزدی که در آن جزو زمان سرآمد ارباب رصد و تنجیم و ملاذ اصحاب استخراج و تقویم بود"^۴ و حتی در حادثه یوسفی ترکش دوز - که نام ملاجلال با آن واقعه پیوند می‌خورد - نامی از او نمی‌یابیم.^۵ روضة الصفویه جنابدی "آیینه دوره صفوی"^۶ درباره ملاجلال خاموش است و پسرش ملامظفر که شاگرد و زبردست ملک المنجمین، ملاجلال یزدی بود نیز به تاسی از پدر در تنبیهات المنجمین

۱. رک: فصل سوم، ص ۲۰۰.

۲. مصدق، همان / ملاجلال ثانی، تاریخ عباسی، نسخه خطی شماره ۴۲۰۴، کتابخانه دانشگاه تهران.

۳. قاضی احمد قمی، خلاصه التواریخ، به کوشش احسان اشراقی، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۸۳، ص ۱۰۸۶.

۴. افوخته ای نطنزی، ص ۴۹۲.

۵. همان، ص ۵۲۲.

۶. میرزا بیگ جنابدی، روضة الصفویه، به کوشش غلامرضا طباطبایی مجد، تهران: بنیاد موقوفات افشار، ۱۳۷۸، ص ۲۷.

علیرغم برشماری اسامی قدما، درباره منجم اطلاعاتی ارایه نمی‌کند.^۱ اسکندر بیگ در نقل حادثه یوسفی ترکش دوز از ملا جلال با بزرگی یاد می‌کند: "... و مولانا جلال الدین محمد منجم یزدی که درین فن شریف سرآمد زمان و مقدم اقرانست..."^۲ وی در کنار نقل این حادثه و ادای نذر شاه صفوی در پیاده‌روی به مشهد از ملا با عنوان احترام آمیز "... عمدة المنجمین ، مولانا جلال یزدی منجم سرکار خاصه شریفه" یاد می‌کند.^۳

محمد طاهر قزوینی اگر چه در باب رجال، شخصیت‌های دیوانی را معرفی کرده اما فقط در جریان تعمیر قلعه حلّه به سال ۱۰۴۴ق نامی از ملا کمال می‌برد،^۴ در قصص الخاقانی نیز علیرغم بیان احوال علما زمان "شاه دین پناه حضرت شاه عباس"^۵ نامی از ملا کمال نمی‌یابیم، محمد یوسف واله اصفهانی در خلدبرین فقط اشاراتی گذرا به حضور ملا کمال دارد، یکی در جریان فتح قلعه وان به دست رستم خان سپهسالار^۶ و دیگری در جریان تعمیر قلعه حله^۷ دستور شهریاران نیز در بیان منزلت مقام منجم باشی و اهمیت فعالیت او، داد سخن سر داده اما یادی از خاندان منجم یزدی نمی‌کند^۸ در میان تذکره‌های اواخر دوره صفوی تذکره نصرآبادی فقط از انگیزه ملا جلال در تألیف تاریخ عباسی یاد می‌کند. بر اساس گزارشهای پراکنده موجود درباره خط سیر زندگی ملا جلال و خانواده‌اش شاید تاریخ محلی راهگشا باشد، آنچنان که از پسوند نام ملا جلال یزدی بر می‌آید، او از منطقه یزد بالیده است، در گیلان به شاه صفوی می‌پیوندد^۹ و مابقی عمر خود و خانواده‌اش در دربار می‌گذرد. جامع مفیدی، تألیف مستوفی بافقی به وصف احوال رجال یزد می‌پردازد اما علیرغم اشاره مستوفی به منجمان در مقاله ثانیه و در بیان شمه ای از احوال علما و فضلا^{۱۰} یادی و نامی از

۱. ملا مظفر گنابادبع تنبیهات المنجمین، نسخه خطی شماره ۶۴۴۹، کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران.

۲. اسکندر بیگمنشی ترکمان، تاریخ عالم آرای عباسی، به کوشش ایرج افشار، تهران: امیر کبیر، ۱۳۸۲، ص ۴۷۵.

۳. همان، ص ۶۱۱.

۴. محمد طاهر وحید قزوینی، عباسنامه، تصحیح: محمد ابراهیم دهگان، اراک: کتابفروشی داوودی، ۱۳۲۹، ص ۳۶۴.

۵. ولی قلی شاملو، قصص خاقانی، تصحیح: سید حسن سادات ناصری، تهران: وزارت ارشاد، ۱۳۷۱، ص ۳۳.

۶. محمد یوسف واله اصفهانی، خلدبرین، ایران در روزگار شاه صفی و شاه عباس دوم، به کوشش: محمدرضا نصیری، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۸۰، ص ۱۷۴.

۷. همان، ص ۲۰۶. ۸. زین العابدین نصیری، صص ۱۰۹ و ۲۸ و ۱۹.

۹. مصدق، همان / رک: فصل سوم ص ۱۴۳.

۱۰. محمد مفید مستوفی، جامع مفیدی، به کوشش: ایرج افشار، تهران، کتابفروشی اسدی، ۱۳۴۰، ج ۱، ص ۲۹۸.

ملاجلال نمی‌یابیم. تاریخ گیلان فومنی (تاریخ گیلان در سالهای ۹۲۳ تا ۱۰۳۸ق) در برهه‌ای از زمان نوشته شده است که ملاجلال در حیات فرهنگی و سیاسی آن خطه حضور داشته است، فومنی در نقل جریان خواستگاری شاه صفوی از دختر خان احمد - به عنوان یکی از مهم‌ترین رخدادهای که پیوندی وثیق با تاریخ صفویه دارد- از فرستادگان شاه صفوی با عنوان "اجله سادات و مشایخ و ارکان دولت"^۱ یاد می‌کند و از ملاجلال نامی نمی‌برد.

سفرنامه و گزارشها سیاحان خارجی همچون پیتر و دلاواله، شاردن و کمپفر اطلاعات مفیدی از منزلت منجم در دربار صفوی ارائه می‌کند^۲ و حتی دلاواله اطلاعات مختصری درباره زندگی در منزل ملاجلال ارائه کرده است.^۳ به روی باید گفت از میان پژوهش‌های انجام شده به پژوهش مستقلی درباره این خاندان به جز پایان نامه خانم الهام زحمتکش با موضوع خاندان ملاجلال منجم یزدی بر احوالات منجمان یزدی بالاخص ملاجلال متمرکز است^۴ بر نمی‌خوریم و دیگر (۲) آنکه محور چند پژوهش انجام شده، بیش‌تر ملاجلال است و به تبع ذکر او از ملاکمال و ملاجلال ثانی نیز یاد می‌شود. کتاب تاریخ‌نویسی در روزگار فرمانروایی شاه عباس صفوی تألیف شعله کوئین^۵ و اندیشه تاریخ‌نگاری در عصر صفویه^۶ فقط به ذکر تالیفات این خاندان بسنده کرده اند. مهم‌ترین اثر جدید مقاله دکتر مصدق با عنوان خاندان منجم یزدی و تاریخ‌نگاری دوره صفوی است که الهام‌بخش بسیاری آثار در این زمینه است همچنین سال‌ها پیش از این، سهیلی خوانساری نیز اطلاعاتی درباره

۱. ملا عبدالفتاح فومنی گیلانی، تاریخ گیلانی، تاریخ گیلان، به کوشش: منوچهر ستوده، تهران: بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۴۹، ص ۱۳۱.

۲. انگلبرت کمپفر، سفرنامه، ترجمه: کیکاوس جهاننداری، تهران: خوارزمی، ۱۳۶۲، ص ۱۰۲/ پیتر و دلاواله، سفرنامه، ترجمه: شعاع الدین شفا، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۱، جلد دوم، چاپ سوم، ص ۹۳۶/ ژان شاردن، سفرنامه، ترجمه: محمدعباسی، تهران: امیر کبیر، ۱۳۲۸، ج ۵، ص ۲۴۷.

۳. دلاواله، ص ۹۴۶.

۴. الهام زحمتکش، خاندان ملاجلال منجم یزدی، زمانه، زندگی و نقش آن‌ها در تاریخ‌نگاری عصر صفوی، به راهنمایی: منصور صفت گل، تهران: دانشکده ادبیات و علوم انسانی، ۱۳۸۷.

۵. شعله کوئین، تاریخ‌نویسی در روزگار فرمانروایی شاه عباس صفوی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۸، ص ۲۶.

۶. محمدباقر آرام، اندیشه تاریخ‌نگاری عصر صفوی، تهران: امیر کبیر، ۱۳۸۶، ص ۲۲۴.